

نامه‌هایی از قهستان

نامه‌هایی از قهستان

اثر اف هیل

ترجمه دکتر محمدحسن گنجی



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / خرداد و تیر ماه ۱۳۸۰

۱۸

○ مسعود مرادی

عضو هیأت علمی دانشگاه زاهدان

تاریخ‌نگاری محلی و منطقه‌ای ایران از غنای زیادی برخوردار نیست. مورخین تنها به چند ناحیه و شهر مشهور کشور ما اشاره کرده‌اند. اما بسیاری از شهرها و دیارهای ما با وجودی که نقش ارزنده و مهمی در جریان حوادث تاریخی بازی کرده‌اند از نگاه ریزبین آنان پنهان مانده و بدست فراموشی سپرده شده‌اند. از این رو نگارش خاطرات روزانه، یادداشت‌های پراکنده، خاطرات سفر و سفرنامه‌نویسی و استفاده از خاطره‌های شاهدان حوادث تاریخی می‌تواند منابع ارزشمندی برای شناخت تاریخ محلی و منطقه‌ای تلقی گردد. این شناخت علاوه بر اهمیت سیاسی، در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای نیز مهم است و می‌تواند به تصحیح روش‌ها و انطباق سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای بینجامد. بنابراین توجه به تغییرات و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی یک منطقه در طول تاریخ منجر به اصلاح روشها و تصحیح سیاست‌گذاری‌های ملی می‌گردد.

بررسی مسائل جنگ جهانی اول و ارتباط آن با مناطق مختلف ایران از طریق منابع و مراجع داخلی به تنهایی امکان‌پذیر نیست از این رو لازم است تمام آثار منتشر شده یا منتشر نشده به فارسی درآمده و در دسترس محققان و پژوهشگران قرار گیرد تا با بررسی و مطالعه آن‌ها بتوانند شرایط تحولات اجتماعی دنیای جدید را دریابند و به تبیین موقعیت ایران و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن در این تحولات بپردازند.

کتاب اف‌هیل از عنوان انگلیسی *From Persian Uplands*

ترجمه شده است. هیل رئیس بانک شاهی در بیرجند بوده است. آقای دکتر محمدحسن گنجی این کتاب را با شیوه‌ای عالمانه و محققانه ترجمه و توصیف نموده و بسیاری از ابهامات را شرح داده‌اند. ایشان می‌نویسد: «... در همان سال‌ها هر وقت فرصتی دست می‌داد، تأمل ایام گذشته می‌کردم و درباره‌ی روزهای نوجوانی خود در بیرجند مطالبی را یادداشت می‌نمودم و در نظر داشتم روزی آن یادداشتها را به صورتی بسط دهم که نمایشگر اوضاع اقتصادی و اجتماعی بیرجند آن روزگاران باشد». مطالعه کتاب هیل نگارنده را متوجه این موضوع کرد که وجوه مشترک زیادی بین محتویات این کتاب و یادداشت‌های خاطره‌مانند او وجود دارد...» (ص ۸) هیل از ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۳ تا ۲ ژوئن ۱۹۱۷ در بیرجند اقامت داشت. مجموع کتاب او را ۵۵ نامه تشکیل می‌دهد که ۳۳ نامه از بیرجند، ۱۱ نامه از کرمانشاه و ۱۱ نامه در مسیر

مقدمه:

قهستان یا قوهستان مغرب کوهستان است که به منطقه کوهستانی جنوب خراسان اطلاق می‌شود. یاقوت حموی در معجم‌البلدان تحت کلمه قوهستان سرزمین‌هایی میان هرات، نھاوند، همدان و بروجرد را جزو این منطقه می‌داند. او از قول بشاری، مرکز آنرا قائن و شهرهای آنرا تون، جنابذ (گناباد) و طبس عتات (طبس مسینا) و طبس تمر (طبس) و طریثیت (?) ذکر می‌کند. در تعریف قوهستان از

قول الرهنی می‌گوید ابتدای قوهستان جوسف (خوسف) و انتهای آن گناباد و اطراف آن می‌باشد.

قهستان امروزی نیز می‌تواند در همین تعریف رهنی تعیین گردد. آغاز آن کوههای جنوب گناباد و انتهای آن کوه‌های جنوب نهبندان که از شرق تا مرز افغانستان نیز ادامه می‌یابد. شهرهای مهم آن بیرجند، قاین، سربیشه، نهبندان، خوسف، فردوس و طبس می‌باشد. اگرچه این برداشت نه به جغرافیا، نه به سیاست و نه به تاریخ، به هیچ کدام مربوط نخواهد بود و تنها برداشتی شخصی تلقی می‌گردد. بیرجند به عنوان بزرگترین شهر جنوب خراسان دارای هویتی فرهنگی بوده که آقای محمدایوب کاظمی در کتاب ارزشمند سیمای بیرجند تلاش در به تصویر کشیدن آن دارد. بزرگانی چون حکیم نزاری، مولانا محمدشمس‌الدین زاهد، مولا محمدبن حسام، علی اصغر خوسفی، سیدغلامرضا بیرجندی، حسین شاکری، علی اشرف صبوخی، مالاسماعیل منزوی، مجتهد آیتی، علامه سیدمحمد فرزنان، استاد سیدغلامرضا سعیدی، استاد محمدابراهیم آیتی، سیدمحمد شهرستانی و دهها نام دیگر در زمره شخصیت‌هایی هستند که آقای کاظمی به آنان اشاره کرده، و آقایان محمدباقر مجتهد آیتی در رجال قائن و محمدحسین آیتی در کتاب بهارستان درباره آنها اطلاعات بیشتری در اختیار خوانندگان خویش می‌گذارند.

اهمیت نامه‌های اف‌هیل در شناخت تاریخ بخشی از خراسان:

- نامه‌هایی از قهستان
- تألیف: اف هیل
- ترجمه و تعلیق: دکتر محمدحسن گنجی
- ناشر: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ۱۶۰ صفحه

مدرسه شوکتیه بیرجند، سومین مدرسه به سبک جدید در ایران است.
چهره‌های مشهوری در تاریخ آموزش و پرورش ایران در این مدرسه
تدریس و تحصیل کرده‌اند. هیل در نامه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۱۴
شرحی از این مدرسه به میان می‌آورد که نشان دهنده
شیوه آموزش در این مدرسه است

دکتر محمدحسن گنجی از هیجده سال اول عمرش (۱۲۹۲ تا ۱۳۰۹)
خاطرات فراوانی از بیرجند در این کتاب نقل می‌کند و توضیحات زیادی
پیرامون مسایلی که هیل مطرح می‌کند ارائه می‌نماید.
این توضیحات که بر مشاهدات استاد متکی است توانسته است
تا حدود زیادی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیرجند را
روشن نموده و مدخل ارزنده‌ای بر تاریخ اول قرن بیستم
این منطقه از خراسان باشد



حرکت او نوشته شده است.
هیل در نامه‌های خود از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و اقلیمی بخشهای جنوب خراسان سخن به میان می‌آورد. در نامه مورخ ۱۱ سپتامبر او به روحیه ایرانیان عصر قاجار اشاره شده که حکایت از نابسامانی‌های سیاسی ایران دارد. او می‌نویسد: «امروز بعدازظهر با یک ایرانی که در شهر قاین مقامی دارد ملاقات کردم... تمام بیانات او در دو مطلب خلاصه می‌شد: «ما ایرانیها مردم بدبختی هستیم که لیاقت تمدن را نداریم و برای بندگی ساخته شده‌ایم» و دیگر این که «انگلیس و روس صرفاً برای حفظ منابع خود در ایران هستند. آنها اجازه نخواهند داد که هیچ ملت دیگری به ما کمک کند و منافع تجاری آنها صرفاً بهانه‌هایی است که برای تجاوزات سیاسی از آن استفاده می‌کنند».

او می‌افزاید: جوانان ایرانی این روزها همیشه بر ناکامی‌های خود به عنوان یک نژاد، افسوس می‌خورند، خودکم‌بینی ملی حاصل تمام گفته‌های آنهاست و چه بسا اوقات عزیز آنها که در انتقاد مخرب از شیوه‌های علمی رهبرانشان به هدر می‌رود، ولی البته حاضر نیستند به اعمال خود توجه کنند و از آن انتقاد نمایند.» (ص ۲۵ کتاب).

چگونگی اداره شهر و منطقه در پایان دوران قاجار موضوعی است که مورد توجه هیل قرار گرفته بود. او در نامه‌هایش اطلاعات مفیدی بدست می‌دهد. شهری مثل بیرجند که اهمیت سوق‌الجیشی خاصی برای نیروهای انگلیسی و روسی پیدا کرده بود به شیوه قرون وسطایی اداره می‌شد. حکمران این شهر که از خاندان‌های مشهور حاکم در شرق ایران بود از طریق کدخدای منشی به حل مسایل شهر می‌پرداخت. هیل می‌نویسد: «او گاهی بدیدن اشخاص می‌رود، ولی معمولاً در انتهای باغ بزرگی با روحانیون و بازرگانان و زمین‌داران و رؤسای ادارات و کدخداهای رؤسای ایلات به گفت و گو می‌نشیند... دفتر او درواقع یک دادگاه هم به شمار می‌آید. فردی که همسایه دیوارش را خراب کرده یا مالش را دزدیده است، مسافری که مورد دستبرد واقع شده یا چنین ادعایی دارد، پیاده‌ای که به خاطر دیده شدن در خیابان بعد از ساعت خاموشی آن هم با ندانستن اسم شب توقیف شده است، دو غریبه که با هم دعوا کرده‌اند، دو دوستی که بین آنها بگومگو شده است، نانوائی که به سبب بدهیها جریمه شده، برزگری که ادعای

حقیقه دارد، فردی که در ملاء عام به او دشنام داده‌اند، فردی که از پاسبان اطاعت نکرده، پاسبانی که از حد خود تجاوز کرده. همه و همه اینها می‌آیند...» (کتاب ص ۲۹).
علاوه بر این او از نحوه تأدیب و تنبیه مجرمین تصویری واقعی بدست می‌دهد که مشاهده آن برای یک اروپایی شگفت آور بوده است. او از سنگ‌چین‌هایی سخن می‌گوید که برای یادآوری اعدام قاتلان در خروجی شهر ایجاد می‌کردند. آقای دکتر گنجی

نیز در توضیح این سنگ‌چین‌ها

توضیحات بسیار ارزنده‌ای در پاورقی آورده است. خود وی شاهد تعدادی از آن‌ها در راه بیرجند - زاهدان بوده که حکایت از اعدام چهار راهزن می‌کرده‌اند.

مسائل مذهبی مردم بیرجند نیز مورد توجه هیل قرار گرفته است او از ماه رمضان، مراسم ماه محرم و صفر، و اعتقادات و باورهای دینی مردم سخن به میان می‌آورد. او می‌نویسد: «باید یادآور شوم که همه آنها مسلمان واقعی و پیروان یکی از فرقه‌های اسلامند و در میان آنها هیچ یهودی و ارمنی و حتی زردشتی هم وجود ندارد. پیشوایان مذهبی آنها افرادی باتقوا و خردمندند و مردم عادی را به سرکشی و اختلافات، تشویق و وادار نمی‌سازند.» (کتاب ص ۳۶). در جای دیگر او می‌نویسد: «ما در روزهای اول محرم، یعنی ماه عزاداری شیعیان قرار داریم و در همه جا سینه‌زنی و نوحه‌خوانی درباره نوادگان گرامی پیامبر (ص) که شهید شده‌اند به چشم می‌خورد... مردم این جا خیلی احساساتی هستند و درواقع صحنه‌هایی که مراحل آخر شهادت را نشان می‌دهد در تصور بی‌آلایش آنها، بسیار سوزناک است» (کتاب ص ۴۹-۴۸).

هیل در باب وضع معیشت مردم بیرجند نیز توصیفی به دست می‌دهد. جالب اینکه امروزه نیز می‌توان شیوه‌های کهنی را که هیل یاد کرده در زندگی روزمره مردم بیرجند مشاهده کرد.

او می‌گوید ایرانیها از این که پول خود را صرف خرید قالی کنند پروایی ندارند. زنها به قالی‌بافی مشغولند، در مزارع مردان

محدوده امروزی «قهبستان» را می توان چنین تعیین کرد: آغاز آن کوههای جنوب گناباد و انتهای آن کوههای جنوب نهبندان که از شرق تا مرز افغانستان نیز ادامه می یابد. شهرهای مهم آن بیرجند، قاین، سریشه، نهبندان، خوسف، فردوس و طبس می باشد

هیل در نامه های خود از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و اقلیمی بخشهای جنوب خراسان سخن به میان می آورد

در باب اهمیت اقتصادی بیرجند دکتر گنجی می نویسد: «اهمیت اقتصادی بیرجند به عنوان یک مرکز بازرگانی مهم بین شرق و غرب منطقه روشن است و احتمالاً این شهر دورافتاده از زمانهای بسیار دور همین نقش اقتصادی را ایفا کرده است. ولی با ظهور اتومبیل و همین که به اصطلاح بیرجندی ها، شتر جای خود را به موتور داد به تدریج از اهمیت اقتصادی این شهر کاسته شد» (پاورقی ص ۳۷) علل انحطاط جغرافیایی بیرجند عنوان مقاله ای است که دکتر گنجی در سال ۱۳۲۵ (آبانماه، شماره دوم سال سوم) در همین راستا به چاپ رسانده است.

دکتر گنجی در بخشی از خاطرات خود می نویسد: «سراسر رود بیرجند که در آن روزها بستر خشک رودخانه ای بود که محله خیرآباد را از بقیه شهر جدا می کرد، همواره پر از کاروان های شتر و کالاهای آنها بود. تا آن جا که یادم هست کالایی که به این ترتیب از طریق بیرجند جابجا می شد عبارت بود از شکر و قماش که از هند وارد می شد و به شمال خراسان حمل می شد و نفت و کبریت که از روسیه و سوئد می آمد و به هندوستان و جنوب منتقل می گردید... و ماهمیشه برای راهیابی به مدرسه باید از لابلای شترها که کاری خطرناک هم بود عبور می کردیم» (پاورقی ص ۳۸)

بیرجند که کانون اصلی اقتصادی قانات در یکصدساله گذشته به حساب می آمد دارای بافت اقتصادی ویژه ای بود. این حالت در بسیاری از شهرهای کهن ایران به صورت سنتی وجود داشت و تا ظهور مناسبات جدید اقتصادی تداوم یافت. دکتر گنجی درباره مشاغل، صنایع و حرف بیرجند توصیف بسیار ارزشمندی دارد. او می نویسد: «در بیرجند آن زمان اصناف و صاحبان حرف از همدیگر کاملاً مجزا شده و هر یک در جایی از بافت شهر که به صورت سنتی به آنها تخصیص یافته بود، به حرفه و شغل خود اشتغال داشتند. مثلاً صاحبان حرفه آهنگری، مسگری، حلبی سازی، کفاشی، خیاطی، کلاه مالی، نمد مالی، رنگریزی، نخریسی، عطاری، علاقه بندی و امثال آن هر یک بازاری مخصوص خود داشتند که در آن جا اصناف دیگر حق کار و کسب نداشتند...» (پاورقی ص ۴۲-۴۳).

برگزاری مراسم عزاداری ماههای محرم و صفر در اوایل قرن بیستم، آنگونه که هیل دیده بود لازم به توضیحاتی بود که دکتر گنجی آن را مفصلاً شرح داده است. (برای آگاهی از جزئیات این مراسم به ص ۴۹-۵۱ پاورقی مراجعه نمایید).

بدین ترتیب کتاب ارزشمند اف. هیل و توضیحات دکتر گنجی ما را به بازیافت حوادث تاریخی بخشی از این سرزمین قادر می سازد و با توجه به اهمیت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم این اثر می تواند در تبیین مسائل تاریخی کشور ما جایگاه ویژه ای به خود اختصاص دهد.

با سختی به کار اشتغال دارند. آنها با گاو زمین را شخم می زنند، از چوب درختان و هیزم برای سوخت استفاده می کنند. (توصیف این وضع در نامه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۳ به خوبی آمده است). او همچنین به استعمال تریاک در میان مردم اشاره می کند. وی اظهار می دارد که زن های ایرانی از صحبت با مردان بیگانه پرهیز می کنند. تنها زنی که با او صحبت کرده در تهران بوده که لباسهای او را می شسته است (کتاب ص ۴۴-۴۵).

مدرسه شوکتیه بیرجند سومین مدرسه به سبک جدید در ایران است. چهره های مشهوری در تاریخ آموزش و پرورش ایران در این مدرسه تدریس یا تحصیل کرده اند. هیل در نامه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۱۴ شرحی از این مدرسه به میان می آورد که نشان دهنده شیوه آموزش در این مدرسه است. او می گوید امیر شوکت الملک

قسمتی از املاک خود را وقف مقاصد آموزشی کرد. انگیزه لازم برای ایجاد این مدرسه از نظر هیل مشاهده اولیاء امور از عقب ماندگی ایران نسبت به اروپا، مسائل ژاپن و ترکیه بود که لزوم اقتباس علوم اروپایی و اشاعه آنرا بر آنان هویدا کرده بود. او می گوید برای مدرسه، معلم از تهران آوردند و نوجوانان هر طبقه را مجانی پذیرفتند. آموزش جغرافیا، تاریخ، فیزیک، زبان فرانسه، ریاضیات، نجوم و همه علوم جدید در این مدرسه آغاز شده بود و پیامد آن تحولات عظیم فرهنگی در شرق ایران بود. (شرح این مسائل در ص ۶۲ تا ۶۵ کتاب و پاورقی ارزشمند دکتر گنجی در ص ۶۵-۶۶ آمده است).

اهمیت شرح آقای دکتر گنجی بر کتاب هیل:

دکتر محمدحسن گنجی از هیجده سال اول عمرش (۱۲۹۲ تا ۱۳۰۹) خاطرات فراوانی از بیرجند در این کتاب نقل می کنند و توضیحات زیادی پیرامون مسایلی که هیل مطرح می سازد ارائه می نمایند. این توضیحات که بر مشاهدات استاد متکی است توانسته است تا حدود زیادی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیرجند را روشن نموده و مدخل ارزنده ای بر تاریخ ربع اول قرن بیستم این منطقه از خراسان باشد.

